



اقتصادی

سیمادرخشان

وقتی سازمان تجارت جهانی WTO شرق را ریزمی بیند

اشاره

ظهور دهکده جهانی مک لوهان که به دهه ششم از سده بیستم میلادی برمی گردد و ابتدا همچون هاله ای از خیالی کم رنگ به نظر می رسید، اکنون واقعیتی انکارناپذیر شده است. واقعیتی که روز به روز شتاب تندتری به خود می گیرد، شتابی که مرزها را از هم گسسته و همسویی ملت‌ها، دولت‌ها و اندیشه‌ها را رقم زده است، تحولی که جهانی شدن را دنبال می کند؛ اما آیا همه دولت‌ها و ملت‌ها می توانند در این فرایند به یک اندازه سهیم باشند؟ و آیا همگان قادر خواهند بود دروازه‌های جهانی شدن را به روی خود بکشایند؟





است تأسیسات آب و فاضلاب همگانی با بودجه معادل ۹ میلیارد دلار بهینه می‌شود، در صورتی که در اروپا سالانه ۱۱ میلیارد دلار خرج بستنی می‌شود»^۲

رابرت فاتون، از اندیشمندان معاصر، در این خصوص می‌گوید: آشکار است که در توزیع جهانی ثروت، ایرادی وجود دارد. وقوع نارضایتی‌ها و تظاهرات گسترده در غرب و شرق، حکایت از وجود نوعی هراس از آینده جهانی شدن دارد. در نوامبر ۱۹۹۹ و در زمان برگزاری نشست سالانه نمایندگان سازمان تجارت جهانی در سیاتل آمریکا، تظاهرکنندگان خواستار تضمینی شدند که توسط آن جهانی سازی نه در جهت تأمین منافع عده‌ای معدود که برای همه مردم دنیا برنامه‌ریزی شود.

این بیم و احساس ناامنی، نه تنها در مردم عادی، بلکه در چهره سیاستمداران کشورهای جهان سوم در حال توسعه نیز به نحوی دیده می‌شود، به طوری که ناریان نماینده هند در WTO می‌گوید: بزرگ‌ترین وجه مبارزه این است که مطمئن شویم WTO با سیاستی قانون‌مدار و نه قدرت‌مدار اداره می‌شود.

نخست‌وزیر مالزی هم از روند جهانی شدن گلایه دارد و می‌گوید: جهانی شدن تنها در صورت رعایت عدالت سودمند است.

منتقدان جهانی سازی نیز اعتقاد دارند، اصولاً سیستم تصمیم‌گیری در سازمان تجارت جهانی به نوعی است که کشورهای کوچک را مجبور به دنباله‌روی از قدرت‌های بزرگ تجارت می‌کند.

در شرایط کنونی، بیشتر کشورهای دنیا عضو سازمان تجارت جهانی WTO

کاهش هزینه‌های هنگفت نظامی و بسط جغرافیای اقتصادی و نه سیاسی، انقلاب تکنولوژیکی اطلاعات و ترابری و ارتباطات و تقسیم کار و ارائه خدمات اشاره می‌کند.^۱ نقطه اوج تحقق آرمان‌های کشورهای حامی جهانی سازی و جهانی شدن را باید در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم دانست که سرانجام پس از عبور از مشکلات فراوان، در سایه قرارداد «گات» و در نشستی در کشور مراکش (پانزدهم آوریل ۱۹۹۵) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت جهانی (General Agreement on Tariff and Trade) تصویب گردید که کشورها موافقت خود را با تشکیل (WTO) اعلام داشتند. از همین رو در مفاد اول اساسنامه، می‌توان به اهدافی چون: بالا بردن سطح زندگی شهروندان، فراهم آوردن امکانات اشتغال، افزایش مستمر درآمدها، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی و افزایش مبادلات و بهبود بخشیدن نظام تجاری فی مابین اشاره کرد.

آیا این اهداف محقق گردید؟ آیا سازمان تجارت جهانی توانست به تعهدات خود وفادار بماند؟

این سؤال مطرح است که گسترش تجارت و حرکت به سمت جهانی شدن، فرصت است یا تهدید؟! «گفته می‌شود مراقبت بهداشتی و تغذیه همگانی سالانه ۱۳ میلیارد دلار هزینه دارد، حال آن‌که در اروپا و آمریکا بیش از ۱۷ میلیارد دلار خرج غذای حیوانات می‌شود. سالانه می‌توان با شش میلیارد دلار، آموزش پایه همگانی را در سطح جهانی هدایت کرد، در حالی که فقط در آمریکا سالانه هشت میلیارد دلار صرف خرید لوازم آرایش می‌شود. بر همین اساس برآورد شده

(WTO) سازمان تجارت جهانی

جهانی شدن را تا به امروز بسیار تعریف کرده‌اند. منتقدان نظام سرمایه و سرمایه‌داری، جهانی شدن را صحنه‌ای برای گسترش اعمال غیرانسانی و تحکیم سیاست‌برده‌داری به وسعت جهان و به یک کلام آمریکایی شدن می‌دانند و به تغییر جغرافیای سیاسی جهان اشاره دارند. در شرایطی که طرفداران جهانی سازی به انتقال تکنولوژی، بهبود شرایط کار (نیروی انسانی) و گردش جهانی سرمایه و انتقال آن تکیه می‌ورزند، به طور کلی افکار عمومی در پنج دسته می‌گنجند:

«دسته اول جهانی شدن را در مفهوم عام آن عنوان می‌کنند و به در هم ادغام شدن بازارهای جهانی، توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، جابجایی و انتقال سرمایه، کاستن قدرت دولت‌ها و شکافته شدن مرزهای ملی اشاره دارند؛

دسته دوم، جهانی شدن را اوج پیروزی سرمایه‌داری جهانی عنوان می‌کنند. به اعتقاد این دسته، جهانی شدن؛ یعنی سلطه‌پذیری و امپریالیسم‌پروری، که با الگوی آمریکایی همخوانی دارد؛

اما دیدگاه سوم، رقابت بی‌قید و شرط در جهان را توسعه می‌بخشد که ثروتمند را دارا تر و فقیر را بی چیزتر می‌کند و رتبه آخر را برای بازار کار و نیروی کار می‌بیند؛

دسته چهارم بر تقسیم عادلانه اهرم‌های کسب ثروت تکیه دارد؛

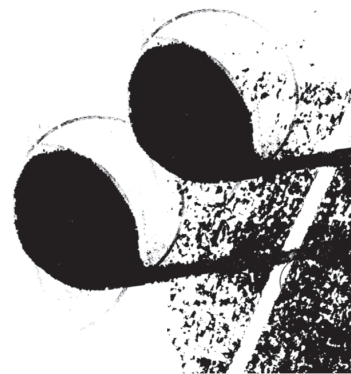
و دسته پنجم به رشد بازارهای مالی جهان، فروپاشی نظام‌های سلطه‌گر و سر فرود نیاروردن دول ضعیف، بین‌المللی شدن دغدغه‌های بشری همچون مبارزه با بیماری‌ها و جهانی شدن محیط زیست،

هستند و بسیاری نیز برای عضویت در آن اقدام کرده‌اند. طبق تعریفی که این سازمان از خود ارائه می‌دهد، کار آن ایجاد مجموعه‌ای از سیستم‌های تجارت قانونی چند وجهی است و همه اعضا از حقوق معینی برخوردار بوده و موظفند از قوانین آن پیروی کنند. از بدو تأسیس این سازمان، دو گونه طرز تفکر افراطی، با هم به نزاع و کشمکش برخاسته‌اند. گروه اول که طیف گسترده‌ای از آنها را سوسیالیست‌های سابق تشکیل داده‌اند، بر این اعتقادند که کشورهای فقیر مجبور به تبعیت از قدرت‌های بزرگ تجاری هستند. طیف دوم تحقق اهداف سازمان تجارت جهانی را به مثابه خلق مدینه فاضله‌ای در دنیای کاپیتالیسم می‌دانند، اما طیف سومی نیز در این بین به بیان نظرات خود می‌پردازند که جهانی‌سازی را مثبت ارزیابی کرده، لیکن خواستار رفع تبعیض‌ها و ابهامات موجود در روش و ساختار سازمان جهانی هستند. در کنار این دیدگاه‌ها؛ سیاستمداران، دانشمندان، سازمان‌ها و نهادهای فراوانی، عملکرد (WTO) را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. «دفتر بین‌المللی کار، طی گزارشی در خصوص تأثیر جهانی‌سازی بر وضعیت اشتغال، آورده است: جهانی‌سازی نتوانسته به خواست مشروع اکثریت زنان و مردان جهان که برخورداری از شغل شرافتمندانه و تأمین حداقل نیازهایشان است، پاسخ دهد. چنانکه طی دهه گذشته میزان بیکاری رسمی اعلام شده در مقیاس جهانی افزایش یافته و در سال ۲۰۰۳ این رقم به ۱۸۸ میلیون نفر رسیده است. همچنین از زمان اجلاس سران در کپنهاگ دانمارک در سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ میلادی،

هیچ‌کس کوچک‌ترین تردیدی ندارد که حاکمیت ابر قدرتها و ادامه سلطه آن‌ها بر جهان از طریق کارتل‌ها و تراستها و دست‌های پنهانی سرمایه‌داران بین‌المللی اعمال می‌شود و آنان نیز حاکمیت خویش را بر عادات و نقاط ضعف بشریت بنا کرده‌اند.

شمار بیکاران جهان از رقم ۴۰ میلیون نفر به ۱۸۶ میلیون نفر رسیده است.^۲ علاوه بر افزایش آمار فقر و بیکاری، عدم پذیرش برخی قوانین این سازمان و زیر بار نرفتن بعضی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در قبال قوانین وضع شده سازمان نیز به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که «آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان هم به این مسئله اذعان دارد و می‌گوید: «در شرایطی که سال‌ها از انعقاد پیمان کیوتو در خصوص رعایت و حفظ محیط زیست می‌گذرد، تاکنون ایالات متحده به عنوان آلوده کننده‌ترین کشوری که بیشترین استفاده را از سوخت‌های فسیلی می‌کند، به این پیمان بی‌توجه بوده و حاضر به امضای آن نشده است.»^۳ هم‌اینک در تمام کشورهای غربی، دولت‌ها سعی در کاهش مالیات، حذف نقش دولت در زمینه آموزش، بهداشت و بیمه‌های تأمین اجتماعی دارند، اما واقعیت نشان می‌دهد اکثریت مطلق این کشورها در تحقق آرمان‌هایشان ناموفق بوده‌اند و جهان و ساختارهای ملی به سمت شکاف‌های بزرگ اجتماعی حرکت می‌کنند. اعتراضات گروه‌های اجتماعی از جمله کارگران، کشاورزان، جوانان، مهاجران و به طور کلی همه طبقات پایین جوامع هم، مؤید این مسئله است. **دولت‌ها در اندیشه جهانی شدن و جهان در آستانه تحقق تئوری جنگ نفت!**

«در سال ۲۰۰۱ هنگامی که آمریکا خود را برای حمله به افغانستان آماده می‌کرد، کارشناسان مرکز تحقیقات اقتصاد انسانی مونیخ، با انتشار یک پژوهش مستند، هشدار دادند که دلیل اصلی لشکرکشی به منطقه، نگرانی آمریکا و متحدانش از آینده منابع نفت و گاز خاورمیانه و حوزه خزر است. آنها نوشتند: «هدف نهایی حضور آمریکا و متحدانش در هندوکش، نه مقابله با تاریخ‌اندیشی طالبان و گسترش مردم‌سالاری، بلکه جلوگیری از سلطه چین بر منابع نفت و گاز منطقه است.»^۴ این کارشناسان با ارائه آمارهایی دقیق از نیازهای همواره در حال افزایش جهان به سوخت، این نظریه را مطرح کردند که در نتیجه رشد مصرف چین و هند، کشورهای صنعتی به زودی با بحران سوخت روبرو می‌شوند. درستی نسبی این دیدگاه در سال‌های اخیر به تدریج آشکار شد و اکنون با انفجار قیمت مواد سوختی، جدی‌تر از همیشه، برخی از موضع‌گیری‌های اخیر سیاستمداران، بحران نفت دهه هفتاد میلادی را تداعی می‌کند. در آن سال‌ها، کشورهای عربی در اعتراض به پشتیبانی غرب از اسرائیل، شیرهای نفت را بستند و اقتصاد غرب را برای مدتی فلج کردند. **نفت؛ وسیله قدرت‌نمایی** «هوگو چاوز» که کشورش (ونزوئلا) عضو اوپک است، در پی تصویب یک قانون جدید در اتحادیه اروپا که مقرر کرده، مهاجران قانونی را تا ۱۸ ماه زندانی و سپس به کشورشان باز می‌گرداند، تهدید کرده است جریان نفت کشورش را به سوی کشورهایی که این قانون را اجرا کنند، قطع می‌کند. از طرف دیگر، سناتورهای آمریکایی هم، جورج بوش را ترغیب کردند که شکایتی رسمی علیه اوپک تسلیم سازمان تجارت جهانی کند. «هوگو چاوز» هم‌صدا با نهادهای حقوق بشر





فقیر آسیا، آمریکای لاتین و اروپای شرقی، میلیون‌ها کودک در دنیا برای غذا، پوشاک، تحصیلات، مسکن و آینده‌ای روشن در سوز و گدازند و در غرب مرفه، هزاران زوج زن و مرد مجرد، ناامیدانه در آرزوی داشتن یک کودک به سر می‌برند که همین امر، تجارت خرید و فروش کودکان جهان سومی را رونق می‌بخشد.^۱

فروش زنان

امروزه فحشا یکی از مؤلفه‌های در حال رشد در اقتصاد جهان است. برخی از سازمان‌های NGO غیردولتی و بنگاه‌های بین‌المللی، علاقه دارند که زنان تن‌فروش را «کارگران سکس» بنامند. گویا تن‌فروشی در این صنعت، یک شغل است. هر ساله صد هزار زن از کشورهای فقیر به کشورهای اروپای شرقی، استرالیا، اسرائیل، ژاپن، آمریکا و شیخ‌نشین‌های عربی خلیج فارس قاچاق می‌شوند. برده‌داری معاصر، از این تجارت هر ساله میلیون‌ها دلار به جیب می‌زند.

«هم اکنون چهارصد تا پانصد هزار خردسال در هند به تن‌فروشی مشغولند. بسیاری از آنها از نپال و بنگلادش قاچاق می‌شوند. هر ساله فقط در جنوب آسیا نزدیک به دویست هزار زن و بچه، قربانیان قاچاق انسان می‌شوند. بسیاری از روستاهای آسیای جنوبی از دختران ۱۳ تا ۱۹ ساله خالی شده است و صنعت توریسم در بسیاری از این کشورها با مسئله تن‌فروشی اداره می‌شود.

همچنین هشتصد هزار جوان در تایلند، تحت فشار به تن‌فروشی می‌پردازند. برآورد می‌شود که «صنعت سکس»، ۱۰ تا ۱۴ درصد از تولیدات خالص را در این کشور در برگیرد. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کارگران، تایلند در این مورد در بدترین موقعیت قرار دارد و فیلیپین، مالزی و اندونزی هم فاصله چندانی با آن ندارند.^۲ دیروز نفت، امروز زنان، دختران و کودکان و

و کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد، این قانون را ضد انسانی خواند و گفت: «نباید نفت ما روانه کشورهای شود که چنین قانونی را تصویب می‌کنند.»

سناتورهای آمریکایی که خواستار شکایت از اوپک شده‌اند، معتقدند که کشورهای عضو اوپک، قانون تجارت آزاد جهانی را زیر پا می‌نهند. آنها ذخایر نفتی را کمتر از آنچه هست اعلام می‌کنند و این سبب انفجار قیمت‌ها می‌شود.

این در حالیست که اعضای سازمان تجارت جهانی مجبورند مقررات مصوبه این سازمان را در زمینه آزادی تجارت جهانی رعایت کنند. پس نفت و منابع نفتی بیش از پیش اهمیت یافته‌اند، تا جایی که بسیاری از سیاستمداران معتقدند که آمریکا در طرح و بزرگ‌نمایی حادثه یازدهم سپتامبر هم، دستیابی به نفت را دنبال می‌کرده است. از نظر آنان، هدف آمریکا راه‌اندازی جنگ در خاورمیانه جهت نابود کردن سرمایه‌های اسلامی است تا در سایه آن، اهداف نومحافظه‌کاران و صهیونیسم جهانی در تسلط بر ثروت مسلمانان جهان تأمین شود.

در همین راستا «تئری میسان» نویسنده فرانسوی کتاب «یازدهم سپتامبر؛ دروغ بزرگ» که کتاب وی چند سال پیش در ایران ترجمه شد، بر این باور است که «حادثه یازدهم سپتامبر توطئه‌ای مدیریت شده از سوی آمریکایی‌ها و صهیونیسم جهانی بود که به منظور به دست آوردن بهانه‌ای برای تسلط بر منابع نفتی خاورمیانه طراحی شد.»^۳

تجارت‌های نوین جهانی

در کنار نفت، تجارت‌های دیگری هم روند جهانی شدن را طی می‌کنند؛ از جمله:

کودکان ۴۰ دلاری

غرب پس از غارت منابع طبیعی، اکنون چشم به کودکان جهان سوم دارد. «سوداگران» کودکان فیلیپینی و السالوادوری را به ترتیب با ۴۰ و ۶۵ دلار معامله می‌کنند. در کشورهای

فردا...!؟

به راستی

روند جهانی شدن،

فردایمان را چگونه رقم

می‌زند؟ آیا پدیده جهانی

شدن ما را نیز در خود خواهد

بلعید؟

پی‌نوشت‌ها

۱. سایت توده، پارت ایران، مطلب سازمان تجارت جهانی.
۲. برگرفته از سایت باشگاه اندیشه، بردیا بختیار، مطلب تجارت دو طرفه.
۳. همان.
۴. برگرفته از سایت ماجیران، مطلب جهانی شدن در ستیز با جهانی دیگر، اردشیر زارعی قنوتی.
۵. برگرفته از سایت ایران، گفتگو، مطلب جهان در آستانه تحقق تئوری جنگ نفت، نوشته جواد طالعی.
۶. برگرفته از سایت گودسنا، مطلب یازدهم سپتامبر، دست‌بخت صهیونیسم جهانی و آمریکا.
۷. برگرفته از روزنامه اسرار، ش ۸۷۴، آبان ۱۳۷۰، ص ۱، مطلب خرید و فروش کودکان.
۸. برگرفته از سایت آتش، مطلب فروش زنان، تجارت جهانی انسان، نوشته هما غفوری.

منبع

۱. مطلب فروش زنان، تجارت جهانی www.Atash.de/zanan/z
۲. نظم نوین جهانی mehraddin.addin
۳. مطلب جهانی شدن در ستیز با جهانی دیگر www.Khavar.com/mashid_mehraddi
۴. مطلب تجارت دو طرفه www.magiran.com
۵. جهان در آستانه تحقق تئوری جنگ نفت؟ www.bashgah.net/pages۹۸۳۳
۶. مطلب بن‌بست در سازمان تجارت جهانی www.bashgah.net/pages۹۸۳۳
۷. جهان در آستانه تحقق تئوری جنگ نفت؟ www.iran-goftoo.com
۸. مطلب بن‌بست در سازمان تجارت جهانی www.Tudehpartiran.org/detail